

معرفی دیوان بنایی هروی و نگاهی به سبک شعر او

(ص ۳۱۳-۳۰۳)

احمد علیزاده^۱ (نویسنده مسئول)، میثم مهرنیا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۷

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۳/۲۰

چکیده

بنایی هروی (۸۵۷-۹۱۸ هجری) شاعر، موسیقیدان و خطاط مشهور عصر خود بوده، که متأسفانه دیوان شعر او تاکنون تصحیح و طبع نگردیده است. در تذکره‌هایی چون: حبیب السیر، خلد برین، تحفه سامی، ریاض العارفین و آتشکده آذر از این شاعر و هنرمند مشهور دوره تیموری ذکری به میان آمده است. موضوع این مقاله معرفی اشعار بنایی و نگاهی به سبک شعر او با استناد به تک نسخه منحصر بفرد اشعار او در ایران (در اختیار نگارندگان این سطور) است. راقمان این سطور کار تصحیح دیوان بنایی را از روی نسخه سابق الذکر به پایان برده، امید که در آینده توفیق طبع و نشر آن را داشته باشند. بنایی در قالبهای غزل، قصیده، قطعه و تک بیت شعر سروده است، اما بخش عمده دیوان او را غزل (۳۳۰ غزل) تشکیل میدهد. در غزل بیشتر از سنتهای شعری خراسان پیروی میکند و از میراث زبانی سبک خراسانی بهره میبرد و ظرافتهای شعر عراقی را نیز چاشنی آثار خود میآورد، لذا با وجود شباهتهای بسیار به زبان ساده غزل در سبک خراسانی، از نظر درونمایه غزل بنایی به سبک عراقی نزدیکتر است.

کلمات کلیدی

بنایی هروی، دیوان، تصحیح، سبک شعر

۱. استادیار دانشگاه پیام نور
ahmad_alizadeh302@yahoo.com

۲. پژوهشگر ادبیات

مقدمه

هر قدر در احوال و اشعار شاعر هنرمند بنایی هروی بیشتر تحقیق میکنیم به همان اندازه به مظلومیت فرهنگ و هنر این مرزو بوم پی میبریم که شاعرانی چون بنایی چگونه پس از گذشت قرن‌ها همچنان مهجور و ناشناخته باقی مانده‌اند و حلقه‌های پیوند و سیر تکاملی دانش و هنر در این خاک هنوز نا آشنا و مبهم است.

بنایی، شاعر، موسیقیدان و خطاط مشهور زمان خود بوده، که متأسفانه در حال حاضر فقط تحقیقات اندکی پیرامون هنر موسیقی او صورت گرفته است. نخستین پژوهش کتاب بسیار ارزشمند «رساله در موسیقی» تصحیح و تعلیق دکتر نصرالله پورجوادی است که در سال ۱۳۶۸ مرکز نشر دانشگاهی آن را چاپ کرده است و مقالات «اصناف تصانیف در رسالات مراغی و بنایی» و «دوره های ایقاعی از دیدگاه بنایی» هر دو تألیف بابک خضرای در مجله ماهور در شماره های ۲۱ و ۲۲. مقاله «زندگی هنرمندانه» تألیف سید علی رضا میر علی نقی در مجله مشرق، دوره اول، شماره ششم. مقاله با عنوان «استاد سبز معمارو استاد بنایی هروی» تألیف فکری سلجوقی، آریانا، شماره ۴، سال سوم.

و مقاله بنایی هروی، تألیف انعام الحق الکوثر، مجله هلال، شماره ۵. طوری که مشاهده میشود اندک تحقیقات صورت گرفته هم بعضاً از طرف محققان غیر ایرانی بوده است مگر پژوهش ارزشمند دکتر نصر اله پورجوادی و دو مقاله بابک خضرای.

پژوهشهای مذکور هم فقط متوجه موسیقیدانی بنایی هروی است نه شعر او. در این مقاله نگاهی به سبک شعر بنایی هروی براساس تک نسخه خطی موجود از اشعار او در ایران شده است.

معرفی آثار بنایی

دیوان مولانا بنایی دو دفتر بوده، دفتری با تخلص بنایی حاوی قصاید، غزلیات، مقطعات، و رباعیات و تک بیتها و دفتری با تخلص حالی که در آن شعر شاعران دیگر را جواب گفته است. اثر دیگر او مثنوی «بهرام و بهروز» است که به باغ ارم یا گلستان شهرت دارد. این مثنوی در سالهایی سروده شده که بنایی در آذربایجان و در خدمت سلطان یعقوب آق قویونلو به سر میبرد و باغ ارم را به نام همین پادشاه سرود. «باغ ارم حدود هفت هزار بیت دارد» (تاریخ ادبیات ایران، ریپکا، ج ۲ ص ۸۶). در بحر خفیف هموزن حدیقه سنایی و هفت پیکر نظامی گنجوی سروده شده است. فکری سلجوقی درباره این مثنوی مینویسد: «مضمون مثنوی داستان عاشقانه بهرام و بهروز است که به گلچهره دل بسته‌اند. این اثر حکایات فلسفی، اجتماعی و اخلاقی دارد و بر بنیان جهانبینی و دیدگاههای بنایی سروده شده، در آن از

جامی، جلال الدین دوانی و امیر علیشیر یاد شده است» (استاد سبزمعمار و استاد بنایی هروی، فکری سلجوقی، ص ۳۱).

شیبانی نامه و فتوحات خانی به ظاهر دو کتاب اما در واقع یک کتاب مستقل دیگر از بنایی است که به کشور گشاییهای شیبک خان و تاریخ شیبانیان میپردازد و فتوحات خانی تکمیل شده و اصلاح شده شیبانی نامه است. نثر کتاب آمیخته به شعر است. (درباره این اثر بنگرید به تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ج ۱، ص ۳۱۰).

مجمع الغرایب قصیده بلندی است که به سلطان علی میرزا فرزند سلطان احمد میرزا والی ماوراءالنهر تقدیم شده است. تعداد ابیات این قصیده را ۵۰۱ تا ۸۷۶ بیت ذکر کرده اند، اما بیش از ۱۴ بیت از آن باقی نمانده است. (رک تحفه سامی، ص ۹۹).

دیوان بنایی که در این پژوهش مطمح نظر است، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در شهر قم است، به خط نستعلیق که پاره ای از ابیات آن ناخواناست. این نسخه ۴۲ سال پس از مرگ بنایی به سال ۹۶۰ هجری کتابت شده است. غزلیات بنایی را در دوره نخستین شاعریش دربر میگیرد که تخلص شاعر در آن بنایی است، به سبب مخدوش بودن صفحه آخر نام کاتب مشخص نیست. این نسخه حدود ۲۰۰۰ بیت دارد که ۲۳۰ غزل، ۵ قصیده، ۷ قطعه و ۱۴ تک بیت است. در قصاید پس از تشبیب و تغزل و وصف طبیعت به مدح امیر علیشیر نوایی، سلطان یعقوب آق قویونلو، سلطان علی میرزا و شیبک خان و... پرداخته است. غزلیات او دربر گیرنده عمده مضامین عاشقانه و غنایی است که در شعر شاعران پیش از او و معاصر او دیده میشود که با زبانی شیوا و رسا سروده شده در مقطع برخی از غزلها به مدح ممدوح پرداخته است. در قطعات به مضامین اخلاقی نظیر دعوت به ترک حرص و طمع مال دنیوی و اغتنام وقت نظر دارد. تک بیتهای او شور و حال دیگر دارد به حدی که صائب تبریزی منتخبی از تک بیتهای او را در سفینه اش آورده است.

قالب و زبان شعر بنایی

شعر دوره تیموری را میتوان شعر دوره گذار نامید، از آن رو که هر چند شاعران هنوز تحت تأثیر سبکهای خراسانی و عراقی هستند و از آن پیروی میکنند اما هر چه پیشتر میآیم اصرار شاعران به مضمون یابی و تخیلات بدیع بیشتر به چشم میآید و سرانجام به سبک هندی میرسد. شاعران این دوره هنوز پاسدار سنتهای شعری پیش از خود هستند، بویژه شاعران هرات و همفکران و شاگردان جامی مثل بنایی هروی سخت به این سنتها پایبند بوده، انحرافی را در معیارهای گذشته نمیپذیرند. شماره ابیات در غزل به دنبال سنت

غزلسرایی در دوره عراقی در شش و هفت بیت قرار یافته، بگونه‌ای که رسماً از سوی سرایندگان شمار ابیات تصریح میشود. کمال خجندی به عنوان یکی از آغازگران غزل دوره تیموری به غزل‌های هفت بیتی خود این گونه اشاره میکند:

مرا هست اکثر غزل هفت بیت چو گفتار سلمان نرفته ز یاد (دیوان، ص ۱۵۶، بیت ۵)

عمده غزل‌های بنایی هم شش یا هفت بیت است. همین توجه به معیارهای گذشته در صورت اشعار شعر دوره تیموری را به شعری کم تحرک تبدیل ساخت که در آن خلاقیت بسیار نادر است و جوهر شعری در آن فدای ساختار شده، اشعار غالباً ایستا و به تقلیدی صرف از پیشینیان تنزل یافته است.

تقلید در این دوره به دو صورت در شهر شاعران قرن نهم و آغاز قرن دهم به وقوع پیوست که بنایی هر دو شیوه را آزمود؛ تقلید و تأثر از سبک و شیوه سخنوری شاعران مقدم و معاصر؛ لفظ تأثر به جای تقلید در این دوره شاعری بنایی مناسبتر است زیرا با وجود این که بنایی از ذهن و زبان شاعران پیش از خود متأثر است اما ابداعاتی هم از خود دارد و صرفاً یک مقلد نیست. اما دوره دوم سروده‌های او اشعاری است که بنایی شاعری است خلاق و مبتکر و نوآور:

بیا که لشکر یا جوج دی رسید دگر که بست آب روان یخ چو سد اسکندر
به جنگ دی علم افراشت لشکر آتش که هست دود سیاهش سیاهی لشکر
برآید از چمن حسن گلرخان هر سو عذار لاله زسرما به رنگ نیلوفر
شنو زمن غزلی کز بلندی سخنش در آسمان به هوس قدسیان کنند از بر ...
(نسخه خطی، ص ۱۳۳)

بدا النجم كَخَدَّ الكواعب فروزنده از حلقه‌های ذوائب
مقدم زانجم صعود ثریا چو اکلیل بر چهره زهره ثاقب
شب عقد زهره است و در خطبه گویی ز «والنجم» چند آیت آورده خاطب
زر انجم از سطح افلاک ریزان چو از چهره بی زران دمغ ساکب ...
(نسخه خطی، ص ۱۳۰)

ابیاتی از یک قصیده (منقول از تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۰۳) قدرت بنایی را در توصیف، تشبیه، استعاره و تشخیص نشان میدهد که در وصف چقدر خلاق و مبتکر است:

باز عروس چمن جلوه‌گری ساخت کار ورنه عروسانه چیست گل زده گرد عذار
گرنفکندست گل عکس در آب از چه روست گاه تماشا در آب دیده بلبل چهار
نوبت آن شد که باز از عمل نامیه نقش گل آید برون از پی صوت هزار

شاخ گل زرد دیدنرگس و یک غنچه کند تا به سر ناخنش باز کند طفل وار ... قواعد زبان در شعر او رعایت شده، که همین امر سبب روانی، رسایی و شیوایی شعر اوست. مخالفت با قیاس، غرابت استعمال و تنافر حروف در شعر او دیده نمیشود. یکی از زیباییهای غزل بنایی ترکیبات نغز و دل انگیز اوست. به عنوان مثال: بهار حسن (غزل ۲۱۳)، تیغ دوری (غزل ۲۱۴)، پیراهن صبر (غزل ۲۱۴)، سرای چشم (غزل ۲۱۱)، گنج ملاحظت (غزل ۲۰۹)، پنبه کواکب (غزل ۲۰۲)، خانه صبر (غزل ۱۹۸)، غمخانه گردون (غزل ۱۹۷)، غبار محنت (غزل ۱۸۴)، ابر چشم (غزل ۱۸۱)، کوی نامداری (غزل ۱۸۰)، سیلی غم (غزل ۱۹۳) و ...

ویژگیهای ادبی و هنری شعر بنایی

چاشنی صناعات ادبی، به خصوص صنایع معنوی بدیع در غزل بنایی، آن هم در حد مقبول و نه به افراط بر روانی غزل او صحه میگذارد. بنایی در مسیر سنت ادبی دوره تیموری، فنون بلاغی را هر چه بیشتر به سادگی و همه فهمی گره میزند و در این مهم با بزرگانی چون امیر شاهی سبزواری، کاتبی ترشیزی، واصفی و نسیمی همصداست. عمده تشبیههای دیوان او از نوع حسی به حسی و عقلی به حسی است. تشبیه حروفی، تناسب کلمات، تضاد، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل، مقابله، تجاهل العارف و التفات در شعرش دیده میشود.

به عنوان شاهد در ابیات زیر به صنعت التفات توجه کنید:

ز داغ تازه به دستان آن گل سوری میان بزم برافروخت شمع کافوری
به داغ ساعد او بین که نقشبند قضا نمود حکایت گلنار بر گل سوری^۱
مرا بخوان و بسوزان به داغ خویش که نیست هزار داغ چو یک لحظه آتش دوری (غزل ۲۲۰)

تلمیح هم از صنایع مد نظر شاعر است، تلمیح به داستانهای پیامبران نظیر حضرت سلیمان و یوسف نبی و داستانهای عاشقانه مثل شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون در شعرش آمده است:

بنایی خاتم لعلش به دست من اگر افتد سلیمان زمان باشم چو باشد آن نگین با من
(غزل ۱۷۵)

سنت دیگری که شاعران عهد تیموری از آن تبعیت میکردند جوابگویی یا استقبال از شعر شاعران متقدم با همان وزن و قافیه ایست که این اشعار در آن سروده شده است. در این دوره کسانی مثل رستم خوریانی، لطف الله نیشابوری، بابا سودایی، ابن حسام این شیوه را

۱. وزن شعر مخدوش است. اگر نمود را به تخفیف نمد بخوانیم درست میشود.

آزمودند و به نوعی به ایستایی و رکود در شعر این دوره دامن زدند. بنایی نیز در شعر خود به این شیوه دست میزند، زیرا ظاهراً از این طریق شاعران قدرت خود را در ساخت شعری با وزن و قافیۀ شعری معروف به اثبات می‌رسانند. شاید همین تغییر سبک باعث شد تا بنایی تخلص خود را به «حالی» تغییر دهد و به تقلید از غزل سعدی و بویژه غزل حافظ بپردازد. غزلیات این دوره بنایی غالباً اشعاری است تقلیدی که قدرت برابری با سایر اشعار او را ندارد و بی روح و کسل کننده است. چند نمونه از این اشعار که تحت تأثیر غزلهای حافظ سروده شده است:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها
 (حافظ شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۱۸)

سقاک الله یا ساقی افض راحاً و ناولها
 که آن یاقوتی آمد قوت جانها قوت دلها
 (نسخه خطی، ص ۱۳۵)

بلبلی برگ‌گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
 و ندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
 (حافظ شیرازی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۴)

بلبلی در موسم گل جای در گلزار داشت
 فارغ البال از غم هجران وصال یار داشت
 (نسخه خطی، ص ۱۳۹)

اما از غزلیات بنایی بر می آید که او بیشتر از هر کس از امیر خسرو دهلوی (ف ۷۰۵) و همچنین حسن دهلوی (ف ۷۳۸) متأثر بوده است و به دفعات در مقطع اشعارش شعر این دو شاعر شهیر را می‌ستاید و خود را ادامه دهنده و پیرو این دو شاعر میدانند و بویژه به امیر خسرو ارادت می‌ورزد:

چو آن غزال بنایی نمیکنند تحسین
 چه سود اگر به غزل خسرو و حسن شده‌ام (غزل ۱۱۲)
 بنایی در طریق شعر میرفت از پی خسرو
 که در طرز غزل همراه شد طرز حسن با او (غزل ۱۹۶)
 بنایی گر بهندوستان بر نداین نظم مستحسن
 به تحسین تو احسنت آید از خاک حسن بیرون
 (غزل ۱۸۸)

از حیث وزن عمده اشعار او در بحر هزج است، گویی بنایی اوزان این بحر عروضی را موسیقایی‌تر از اوزان بحور دیگر تشخیص داده، اکثر اشعار خود را در این بحر سروده است. اما در بحور رمل، مجتث، مضارع، منسرح و رجز هم اشعاری ساخته است. اوزان کم کاربرد در شعر او دیده نمی‌شود. هرچند بنایی شاعری فصیح و دانشمند است اما شعر وی خالی از اشکالات وزن و قافیه نیست و بندرت عدم فصاحت را در شعر بنایی شاهد هستیم که البته گاه این موضوع به ضبط نادرست کاتب باز می‌گردد.

یا رب از هیچ غم و درد مبدا الممت ماه من پیوسته نصیب دل ما درد و غمت
(غزل ۴۲)

ز درد آشنایان شد چنان حالم که چون آیم ز تنهایان به جان صحبت ندارم به بیگانه
(غزل ۲۱۰)

در ابیاتی که ذکر شده به نظر میرسد کوتاهی از سوی کاتب بوده، کلمه ای در استنساخ جا افتاده یا بیت به شکل صحیح کتابت نشده است یا در ابیات زیر:

زلف بر چهره از آن روی آ پریشان میساخت که نمیخواست که آشفته و حیران باشم
(غزل ۱۳۴)

نخواهد جز بلای جان من شوخ بلای من نمیدانم چه میخواهد ز جان مبتلای من
مرا در گریه دوش آواز گریانی بگوش آمد چو دیدم گریه همسایه بود از های وهوی من
(غزل ۱۸۴)

که ضبط درست قافیه مصرع آخر «های و های» است.

از هر سه نوع ردیف (اسمی، فعلی، حرفی) نمونه‌هایی در شعر بنایی دیده میشود. بیشتر ردیفهای او حرفی و اسمی است و ردیف فعلی در شعرش بسیار کمتر است. ردیفهای شعر بنایی عمدتاً کوتاه و گوشنواز است. ردیف «مشکل است» طولانی‌ترین ردیف بکار رفته در غزلهای بنایی است:

کار من از فراق تو بسیار مشکل است گر تو ترحمی نکنی کار مشکل است
(غزل ۲۳)

محتوای فکری شعر بنایی

تقریباً تمامی مضامین مطرح شده در غزلهای قرون نهم و دهم در شعر بنایی دیده میشود، اما شاید مهمترین مضامین مطرح شده در شعر او را بتوان «واقعه گویی وی در غزل» دانست و او را از پیشگامان مکتب وقوع در شعر دوره تیموری به حساب آورد. «سبک وقوع که در آن شاعر از آنچه میان وی و معشوق واقع شده سخن میراند بطور مشخص از ربع اول قرن دهم هجری در بین شاعران رواج یافت و در نیمه دوم همان قرن به کمال رسید و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت. (مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، ص ۱)

واقعه گویی در شعر بنایی بسامد بالایی دارد و آنجا که بنایی به بیان حالاتش با معشوق میپردازد با شعری ساده، بی پیرایه، روان و تأثیرگذار روبرو میشویم:

هرگز مرا به چاره دل دسترس نبود بیچاره تر ز من به جهان هیچکس نبود
آن دم که درد هجر توام ساخت ناتوان دردا که بر هلاک خودم دسترس نبود

خنجر کشیده بر سر من آمدی مگر بهر هلاک من غم هجر تو بس نبود
 دامان لطف بر سر هر خس کشی چو گل خواری کش فراق تو کمتر زخس نبود
 هرگز نرفت عاشق حیران ز پیش تو کز حسرت تو دیده‌ او باز پس نبود
 ویرانه‌ تو نیست بنایی مقام یار هرگز همای سدره مقیم قفس نبود
 (غزل ۷۱)

همانطور که ذکر شد از دیگر ویژگی‌های شعر سبک تیموری اظهار خواری شاعر در مقابل معشوق است که در این باره شاعران دوره تیموری حتی از شاعران سبک عراقی نیز فراتر می‌روند و هرگونه حقارت و ضعف را در برابر معشوق می‌پذیرند. یکی از مضامینی که شاعران دوره تیموری چون کاتبی ترشیزی، لطف‌الله نیشابوری، نسیمی شیرازی، نظام استرآبادی، حیرتی و امیر شاهی سبزواری برای بیان شدت ضعف و خواری در برابر معشوق بر آن تأکید بسیار دارند سگ‌پنداری این شاعران است و آن به این معناست که شاعر خود را در مقام سگ کوی معشوق می‌بیند یا به سگان کوی او حسادت میکند و آرزوی جایگاه سگ معشوق را دارد. بنایی هروی نیز از شاعرانی است که در این راه افراط کرده و در بسیاری از غزلیاتش ما با سگ‌پنداری شاعر روبرو می‌شویم که یک ویژگی غزل دوره تیموری است. ابیاتی از این دست:

گفتم بسی من از سگ کوی تو کمترم گفتا که بیش از این صفت خویشتن مکن
 گفتم که بر درت چو سگان می‌کنم وطن گفتا که نیست جای تو اینجا وطن مکن
 (غزل ۱۷۱)

ذکر کوی معشوق و تشبیه خود به سگ از رایج‌ترین بنمایه‌های شعری اوست و بیش از موتیف‌های دیگر در اکثر غزلها تکرار شده است. با طبع سنتی و نجوم قدیم هم آشنایی داشته است. دیگر از ویژگی‌های شعر بنایی و اکثر شاعران دوره تیموری دور شدن از زبان فصیح و پیوسته سبک عراقی و نزدیک شدن به زبان عامه و به تبع آن طرح مسائل مربوط به فرهنگ عامه در شعر میباشد، گویا مطرح کردن مسائل مربوط به فرهنگ عامه هم یکی از موضوعات محوری ذهن، اندیشه و شعر بنایی است که در این مجال به آن پرداخته نمی‌شود و به ذکر یک مثال اکتفا می‌شود:

دل نه امروز از جمال آن پری آشفته شد اینچنین بود این دل دیوانه تا میبینمش
 (غزل ۹۷)

شاید بتوان بزرگترین مزیت اندیشه بنایی را دانش والای وی در شناخت متون پیشینیان دانست. این تتبع و جستجو در آثار دیگران ظرفیتهای زبانی بنایی را افزایش داد و باعث شد تا شاعر صرفاً به تواناییهای ذهنی و قریحه خود متکی نباشد. از این رو بنایی در اشعارش از

بیانی روان و سراسر بهره میگیرد و برخوردی ملموس با مضمون در زبان ساده و نسبتاً صمیمی به افزایش استحکام و یکپارچگی بیتها کمک نموده، به شعر بنایی تشخص میبخشد. مرحوم استاد صفا، بنایی را قصیده گویی میداند که غزل هم توانست بسازد (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴، ص ۴۰۲) اما این اظهار نظر را میتوان به دیده تردید نگریست، زیرا بنایی در پاره ای از غزلها به بیانی متکامل دست یافته است و یکی از بهترین نمونه‌های غزل دوره تیموری را میتوان در غزلیات بنایی سراغ گرفت.

غزل بنایی غالباً عاشقانه است و شخصیت عاشق، فردی خاکسار و ذلیل در برابر معشوق تصویر شده است که به هر گونه خفت و خواری تن میدهد. نکات صوفیانه نیز گاه در غزل او به چشم میخورد که صوری و تحت تأثیر آموخته‌ها و آشنایی با آثار عارفانه است و به قول امیر علیشیرنویسی، بنایی چندان در این عوالم به سر نمیبرد (مجلس النفایس، نوایی، ص ۲۲۲). با این همه بنایی یکی از مهمترین شاعران دوره تیموری است که به تصریح صاحب حبیب السیر دیوان اشعارش در بلاد ماوراءالنهر و خراسان مشهور بوده (حبیب السیر، ج ۴، ص ۲۴۹) و همه تذکره نویسان وی را به نبوغ شناخته‌اند و از نوشته‌هایش در زمان زندگی او سخت قدر دانی شده است (تاریخ ادبیات ایران، ریپکا، ج ۲، ص ۸۵۹). در این میان استاد صفا انسجام شعری سروده‌های وی را در میان معاصرینش بی نظیر دانسته (تاریخ ادبیات در ایران ج ۴، ص ۴۰۱) و فکری سلجوقی بنایی را بعد از جامی برترین شاعر دوره خود معرفی کرده است (استاد سبز معمار و استاد بنایی هروی، فکری سلجوقی، ص ۳۵).

درباره مذهب بنایی باید گفت به دلیل ساختار مذهبی قدرتها و استفاده سیاسی از دین در اکثر دوره‌های تاریخی مسئله مذهب معمولاً مسئله‌ای پیچیده و بغرنج برای مورخین بوده است؛ زیرا بسیاری از شخصیتها به دلیل حساسیتهای مذهبی در دوره خود ناچار از پنهانکاری در مسائل مذهب بودند واز بیان گرایشهای مذهبی خود ابا میورزیدند. این وضعیت دردوره تیموری نیز حاکم بوده است. از این رومذهب بسیاری از شاعران و دانشمندان آن دوره مورد تردید است و برای نمونه در مورد «مذهب جامی آرای متفاوت و متضاد فراوانی آمده است» (سبک شناسی نثر، بهار، ج ۳، ص ۲۲۴).

در مورد مذهب بنایی نیز به یقین نمیتوان رأیی صادر کرد، اما قطعه ای از قطعات او احتمال شیعه بودن شاعر را افزایش میدهد و نشان از ارادت عمیق او به مولای متقیان علی (ع) دارد:

مرا گفت ابلهی هر کو به عالم	ز ایمان خویش را غافل نگیرد
به دل گیرد جوی بغض علی را	که تا در هاویه منزل نگیرد
منش گفتم کسی کو خر نباشد	جوی بغض علی در دل نگیرد (نسخه خطی، ص ۱۲۸)

نتیجه

بنایی هروی، شاعر، خطاط و موسیقیدان مشهور دوره تیموری است که تاکنون فقط از جنبه موسیقی پژوهش‌های اندکی درباره او صورت گرفته، دو چهره دیگر او یعنی شاعری و خطاطی از دید محققان به دور مانده است. یک نسخه خطی از اشعار او در کتابخانه پاریس هست که مرحوم استاد صفا در تألیف «تاریخ ادبیات در ایران» از آن استفاده کرده متأسفانه برای نگارندگان این مقاله دسترسی به آن نسخه میسر نگردید و بر اساس یک نسخه خطی موجود در ایران اشعار او (۲۳۰ غزل، ۵ قصیده، ۷ قطعه، ۱۴ تک بیت) تصحیح و مورد بررسی واقع گردید. شعر بنایی شعری است ساده، روان و پر تأثیر و فصیح که عیوب فصاحت را ندارد. شعرش از حیث سبک دو دوره جداگانه دارد؛ در دوره اول تحت تأثیر شاعران خراسانی و عراقی از جمله فرخی سیستانی و بیش از همه تحت تأثیر امیر خسرو دهلوی و حسن دهلوی است. در دوره دوم شاعری است خلاق و مبتکر که از سنت ادبی عهد تیموری برخوردار است. در غزل او تقریباً تمام مضامین غنایی مطرح شده در شعر شاعران پیش از او دیده می‌شود علاوه بر این واقعه گویی و گرایش به فرهنگ عامه و بیان مسائل مربوط به فرهنگ توده مردم با زبانی رسا و شیوا از ویژگیهای بارز شعر بنایی است. شعری او شعری است قابل توجه و پر تأثیر که میتوان از جهات گوناگون آن را بررسی کرد و در مسیر بررسی تاریخی سیر غزل فارسی به عنوان یکی از نمونه‌های دلنشین غزل عهد تیموری به آن پرداخت.

منابع

کتابها

۱. آتشکده آذر، بیگدلی شاملو، لطف علی بیگ ابن آقا خان، ۱۳۳۸، تصحیح حسن سادات ناصری، چاپ اول، تهران: امیرکبیر
۲. آثار هرات، خلیلی، خلیل الله، ۱۳۸۳، چاپ اول، تهران: نشر عرفان
۳. تاریخ ادبیات ایران، ربیکا، یان، ۱۳۸۳، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، چاپ اول، تهران: سخن
۴. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۹، ج ۴، چاپ نهم، تهران: فردوس
۵. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی نفیسی، سعید، ۱۳۶۳، ج ۱، تهران: نشر فروغی
۶. تحفه سامی، صفوی، سام میرزا، بی تا، تصحیح رکن الدین همایونفرخ، تهران: علمی
۷. حبیب السیر، خواند میر، غیاث الدین، ۱۳۶۲، تصحیح محمد دبیر سیاقی، ج ۴، چاپ اول، تهران: کتاب فروشی خیام

۸. خلد برین ، واله اصفهانی قزوینی، محمد یوسف، ۱۳۷۹، تصحیح میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران: میراث مکتوب
۹. دیوان حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، ۱۳۶۲، تصحیح پرویز ناتل خانلری،
۱۰. دیوان دهلوی، امیر خسرو، ۱۳۴۳، تصحیح م. درویش، چاپ اول ، تهران : جاویدان چاپ اول، تهران : خوارزمی
۱۱. دیوان فرخی سیستانی، علی بن جولوغ، ۱۳۷۸، ، تصحیح محمد دبیر سیاقی، چاپ پنجم، تهران: زوار
۱۲. دیوان خجندی ، کمال، ۱۳۷۲، تصحیح احمد کرمی، چاپ اول، تهران: نشر ما
۱۳. رساله در موسیقی ، بنایی هروی، کمال الدین شیرعلی، ۱۳۶۸، ، زیر نظر نصراله پور جوادی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۱۴. سبک شناسی، بهار، محمد ثقی، ۱۳۶۹، ج ۳، چاپ پنجم ، تهران : امیر کبیر
۱۵. مجالس النفاثس ، نوایی، امیر علیشیر، ۱۳۲۳، ، تصحیح علی اصغر حکمت، چاپ اول، تهران : منوچهری
۱۶. مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد، ۱۳۷۴، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی
۱۷. نسخه خطی اشعار بنایی هروی، کمال الدین شیرعلی، اشعار باقی مانده از او(نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم).

مقالات

۱. « استاد سبز معمار و استاد بنایی هروی» فکری سلجوقی، عبدالرئوف، ثور ۱۳۲۴، کابل، آریانا، سال سوم، شماره ۲۸، ص ۲۶ الی ۳۵
۲. «اصناف تصانیف در رسالات مراغی و بنایی»، خضرای؛ بابک، ۱۳۸۲، تهران، ماهور، سال ششم، شماره ۲۱، ص ۱۱۱ الی ۱۲۱
۳. « بنایی هروی »، الکوثر، انعام الحق، ۱۳۵۰، اسلام آباد، هلال، شماره ۱۱۴، ص ۳۷ الی ۴۰
۴. « دوره های ایقاعی از دیدگاه بنایی» خضرای بابک، ۱۳۸۲، تهران، ماهور، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۶۹ الی ۷۶
۵. « زندگی هنرمندانه »، میر علی نقی، سید علی رضا، تهران، مشرق، سال ششم، شماره ششم، ص ۹۱ الی ۹۸